



رمز جاودانگی نهضت حسینی صبغه فراطبیعی آن است

آیت الله جوادی آملی رمز جاودانگی نهضت حسینی را صبغه فراطبیعی این نهضت می داند، زیرا منطقه طبیعت صحنه جهش حرکت برخورد و سرانجام، زوال است و ساحت فراطبیعت میدان ثبات.

آیت الله جوادی آملی رمز جاودانگی نهضت حسینی را صبغه فراطبیعی این نهضت می داند، زیرا منطقه طبیعت صحنه جهش حرکت برخورد و سرانجام، زوال است و ساحت فراطبیعت میدان ثبات.

به گزارش خبرگزاری مهر بخشی از کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» نوشته آیت الله جوادی آملی، به مناسبت فرارسیدن اربعین حسینی در پی می آید.

آیت الله جوادی آملی در کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی به رمز ماندگاری نهضت حسینی اشاره کرده و می نویسد: در تاریخ، نبردها و کشتارهای بسیاری ثبت شده است که برخی از آن ها به مراتب، جنایت بارتر، فجیع تر و گسترده تر از حادثه عاشورا بوده و در آن ها چندین برابر شهدای کربلا به خاک و خون کشیده شده اند. مانند جنایت ها و کشتارهایی که مغولان انجام دادند، تا حدی که جناب «ابن ابی الحدید» معتزلی درباره خونریزی های چنگیزیان و تاتارها، می نویسد: «من در دوران مغولان بوده ام و جنایت های آنان را دیده ام. آنچه درباره جنایت های بُحْتُ التَّصَر در قدس و فلسطین نوشته اند، شمه ای از کشتارها و ددمنشی های گرگان خون آشام مغول است».

اما با اینکه در بستر تاریخ کشتار بیرحمانه زیادی رخ داده است، همه آن جنگ ها و جنایت ها در لا به لای کتاب های تاریخ دفن شده است. صرف مظلوم بودن افراد مقتول، موجب ماندن آنان در حافظه روزگار نمی شود. بسیاری از مظلومان و ستمدیدگان تاریخ فراموش شده اند و اکنون نامی از آنان برجای نمانده است؛ کسی که برای کشورگشایی و هدف های غیر خدایی می جنگد، در تاریخ مدفون می شود.

واقعه عاشورا؛ نگینی بر انگشتر تاریخ

تنها واقعه ای که چنان نگینی بر انگشتری تاریخ می درخشد و قدر اول آسمان جهاد و اجتهاد و قیام و اقدام است، همانا واقعه عاشورا است؛ زیرا سالار شهیدان برای احیای دین خدا قیام کرد و از آن جا که دین الهی «حی لایموت» است، احیاگر دین نیز هرگز نمی میرد و نامش برای همیشه بر جریده عالم ثبت است. پس از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش، امویان چنین می پنداشتند که اسلام نابود شده است و دیگر نشانی از آن برجای نخواهد ماند. یزید سرخوش از این پندار خام، طبل نابودی دین بر کوفت و چنین سرود:

لعبت هاشم بالملک فلا **** خبر جاء و لا وحی نزل

یعنی دین و حکومت از بازیچه های بنی هاشم بود و اکنون جز افسانه ای از آن بر جای نمانده است. نه وحیی نازل شده و نه خبری آمده است؛ ولی پس از سخنان گهربار و حماسی امام سجاد (ع) و زینب (ع) یاوه های امویان باطل شد و دین، زندگی جاوید یافت.

زینب کبرا (ع) در دربار شام به امویان فرمودند: «به خدا سوگند! هر نیرنگی به کار بندید، هرگز نخواهید توانست نام و یاد ما را از خاطرها بزدایید». این سخن در اوج قدرت امویان بیان شد. در آن روزگار بخش های عمده آسیای میانه و بخش هایی از اروپا در قلمرو حکومت اموی بود و همه این بخش ها به یزید مالیات می پرداختند. دو ابرقدرت ایران و روم فروپاشیدند و زیر سلطه مسلمانان بودند و حکومت اموی تنها قدرت مطلق حاکم بر جهان بود. زینب (علیهاالسلام) در برابر چنین قدرتی، مقتدرانه چنین سخن گفت: «فَکَيْدٌ کِیدٌ و أَسْعُ سَعِیکَ و ناصِبٌ جِهْدُکَ فوالله لاتمحو ذکرنا و لا تمیت و حینا».

نام حسین (ع) از پس غبار سالیان و قرون، همچنان شهره جهان است و به آزادگان سراسر گیتی فروغ امید می بخشد.

آیت الله جوادی آملی در پایان، خلاصه مباحث را اینگونه نوشته اند که:

۱. آنچه در قلمرو تاریخ طبیعی است، محکوم دگرگونی و زوال است.

۲. آنچه صبغه فراطبیعی دارد، مصون از فناست.

۳. سند این دو قضیه در متن آن ها نهفته است؛ زیرا منطقه طبیعت صحنه جهش، حرکت، برخورد و سرانجام، زوال است و ساحت فراطبیعت میدان ثبات، تجرد، دوام و خلود است؛ (ما عندکم ینفد و ما عند الله باقی). چیزی که برای وجه خداست از آسیب سیلان و حرکت مصون است؛ (کلّ شیءٍ هالکٌ إلا وجهه).

منبع: شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۲۳

